

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 190

Date of filing: 5 APR 88

** AWARD - Type of Award Final
 - Date of Award 5 APR 88
 _____ pages in English 8 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

پرونده شماره ۱۹۰

شعبه دو

حکم شماره ۲ - ۱۹۰ - ۳۵۶

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	5 APR 1988 ۱۳۶۷ / ۱ / ۱۵
No.	۱۹۰

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

امریکن فارم پرادکٹس اینترنشنال اینک.
خواهان،

- و -

مهندسین مشاور سایروس،

دولت جمهوری اسلامی ایران،

خواندگان.

حکم

حاضران:

از جانب خواهان: آقای جوزف ج. داراسمو،

وکیل،

آقای جوزف ج. موریس،

رئیس شرکت خواهان،

آقای رابرت دبلیو برزینا،
از برزینا کانستراکشن کامپنی.

از جانب خوانندگان: آقای محمد کریم اشراق،
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
آقای علی حیرانی نوبری،
قائم مقام نماینده رابط،
آقای اکبر شیرازی،
مشاور حقوقی نماینده رابط.

سایر حاضران: آقای مایکل اف. رابوین،
قائم مقام نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا.

اول - ادعا

۱ - امریکن فارم پرادکتس اینترنشنال ("خواهان")، ادعایی علیه مهندسین مشاور سایروس ("سایروس") به عنوان عامل و کارگزار ادعایی، و دولت جمهوری اسلامی ایران ("ایران")، به عنوان اصیل ادعایی مطرح نموده و مبلغی متجاوز از ۳۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا بابت هزینه های متحمل و مبلغ ۳،۹۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا بابت عدم النفع ناشی از نقض ادعایی قرارداد مربوط به طرح و ساختمان کشتارگاهی در ایران مطالبه کرده است. در تاریخ دوم مهر ماه ۱۳۶۱ [۲۴ سپتامبر ۱۹۸۲] جلسه استماع مقدماتی پرونده برگزار شد، که ضمن آن خواهان ادعایش را به نحو تخییری مطرح و براساس تئوری اجرت المثل خواستار جبران هزینه ها شد. جلسه استماع پرونده در ۲۹ دی ماه ۱۳۶۶ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۸] برگزار گردید.

دوم - رویدادها

۲ - خواهان اظهار می دارد که در تاریخی نامشخص، ظاهراً قبل از سال ۱۹۷۶ یا در طی آن سال، شرکتی به منظور توسعه تولید گوشت در ایران تشکیل گردید که قسمتی از مالکیت آن دولتی و قسمتی خصوصی بود و این شرکت که شرکت تولید و بسته‌بندی گوشت قرمز ("شرکت گوشت قرمز") نام داشت با یک شرکت خصوصی ایرانی به نام سایروس قراردادی جهت طرح و ساختمان یک کشتارگاه و تأسیسات تولید فرآورده‌های گوشتی منعقد ساخت.

۳ - خواهان مضافاً اظهار می‌کند که وی از این پروژه آگاهی یافته و چند بار در ایران درباره آن با مقامات و مدیران سایروس و شرکت گوشت قرمز، مذاکره کرده، از وی - گویا همراه با شرکتهایی دیگر - دعوت به عمل آمد که پیشنهادی ارائه کنند. اولین پیشنهادی که خواهان ظاهراً در آوریل ۱۹۷۷ تسلیم کرد، طبق گفته رئیس شرکت خواهان، برای تاسیساتی "طبق آخرین و جدیدترین تکنیک صنعت" بود، با هزینه برآوردی ۹۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکایی که به علت بالا بودن هزینه آن رد شد. سایروس از خواهان خواست که طرح جدید و ارزانتری تهیه و تسلیم نماید. در ماههای بعد، خواهان همراه با برزینا کانستراکشن کامپنی و کانسالیدیتد انجینیرز آو اوماها، ایالت نبراسکا، طرح اصلاحی با هزینه ساختمانی برآوردی به مبلغ ۳۹،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکایی تهیه و به سایروس تسلیم نمود. طبق گفته خواهان، در ۱۵ مهر ماه ۱۳۵۶ [هفتم اکتبر ۱۹۷۷]، رئیس شرکت خواهان با آقای حبیب معلم مالک اصلی و مدیر عامل سایروس ملاقات کرد و طرفین موافقت کردند که خواهان پروژه را به مبلغ ۳۹،۰۰۰،۰۰۰ دلار اجرا نماید. خواهان اذعان می‌کند که هیچگونه قرارداد کتبی هیچگاه امضاء نشد و اظهار می‌دارد که وی به انکاء توافق شفاهی کار را آغاز کرد و مدعی است که در ژانویه ۱۹۷۸ ضمن ارسال تلکسی به آقای معلم، شکوه کرد که وی کوشید تلفنی با او تماس بگیرد ولی موفق نشد، و

همچنین اظهار نمود که وی در حال پیشبرد کار است و نیاز دارد که بدانند چه موقع می تواند از حسابهای سایروس برداشت نماید و تاریخهای مورد نظر برای تحویل کدامست. پاسخی دریافت نشد، و بنا به اظهار خواهان نامبرده وکلایی را جهت پیگیری موضوع در ایران استخدام کرد ولی نتیجه‌ای نگرفت و در دسامبر ۱۹۷۸ دفتری را که در تهران باز کرده بود، رها کرد.

سوم - صلاحیت

۴ - خواهان اظهار می دارد که در تاریخ ۲۰ اسفند ماه ۱۳۵۴ [دهم مارس ۱۹۷۶] طبق قوانین ایالت ساوت داکوتا تأسیس یافته و مستمرا" تحت مالکیت دو نفر تبعه ایالات متحده بوده که عبارتند از آقای موریس رئیس شرکت و آقای برزینا. ادله‌ای که در این رابطه ارائه شده فقط شهادتنامه یک نفر وکیل است که وی در آن اظهار کرده که مسئول تشکیل شرکت بوده، و نیز اظهارات آقای موریس در جلسه استماع. خواهان هیچگونه گواهی از ایالت ساوت داکوتا یا شهادتنامه‌ای از یک حسابرس مستقل در مورد مالکیت شرکت و یا هیچگونه ادله مستندی راجع به تابعیت دو مالک شرکت ارائه نکرده است. گرچه دیوان الزامات مشخصی برای قبول تابعیت یک دعوا تعیین نکرده است، با این حال راز قلت مدارک در پرونده حاضر چندان قابل درک نیست. از سوی دیگر، خواندگان دلیل و مدرکی که تابعیت خواهان را مورد تردید قرار دهد ارائه نکرده‌اند. در هر صورت، گرچه دیوان ملزم است که راعا" نسبت به صلاحیت خود تصمیم گیرد، ولی با توجه به تصمیم های مندرج در بخش "چهارم" زیر، وی نیازی ندارد که قانع شود آیا خواهان در دوره ذیربط از تاریخ به وجود آمدن ادعا در اوایل سال ۱۹۷۸ تا ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تبعه ایالات متحده بوده است یا نه.

۵ - خواهان استدلال می کند که سایروس عامل و کارگزار ایران و تحت کنترل آن بوده

است. هرچند که ادعای کارگزاری به موضوع توجه دعوا به ایران ارتباط می یابد که در بخش چهارم مورد رسیدگی واقع شده، ولی با این حال برای اینکه دیوان نسبت به خود سایروس صلاحیت داشته باشد، کنترل سایروس توسط ایران به مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، ضروری است. هیچگونه دلیل و مدرکی حاکی از چنین کنترلی ارائه نشده، و برعکس خوانندگان مدارکی در جهت خلاف آن تسلیم کرده‌اند. لذا، دیوان نتیجه می‌گیرد که نسبت به ادعای مطروح علیه سایروس صلاحیت ندارد.

۶ - شکی نیست که ایران خوانده‌ای است مشمول صلاحیت دیوان. اینکه خواهان توجه ادعا را به ایران ثابت کرده است یا نه، موضوعی است مربوط به ماهیت و نه صلاحیت و در قسمت چهارم زیر بدان رسیدگی خواهد شد.

چهارم - دلایل حکم

۷ - ادله و مدارک تسلیمی خواهان در تائید این ادعا که سایروس به عنوان کارگزار ایران عمل می‌کرده بسیار اندک است. اگر مدارک مزبور به مساعدترین نحو به نفع خواهان مورد توجه قرار گیرد، حاکی از آن است که یکی از موسسین شرکت گوشت قرمز آقای اسکندر افشار بوده که ریاست بانک توسعه کشاورزی ایران را بر عهده داشته، و دفتر این شرکت در همان ساختمانی بوده که بانک مستقر بوده و آقای موریس برای مذاکره راجع به پروژه در جلساتی شرکت کرده که آقای افشار، شخصی حسب ادعا به نام والا حضرت محمدرضا، یکی از مقامات اداره گمرک که نامش مشخص نشده و یک دستیار ایرانی برای وابسته کشاورزی سفارت ایالات متحده، حضور داشته‌اند و استنباط آقای موریس آن بوده که دولت ایران مالک حداقل ۴۰ درصد شرکت گوشت قرمز می‌باشد و به نظر می‌رسیده که کلیه حاضران در جلسات مذاکره، سایروس را برای عقد قرارداد ساختمان کشتارگاه و تأسیسات بسته بندی گوشت مجاز و مختار می‌شناختند. مستندات ادعاهای فوق مشتمل است بر شهادتنامه شخصی که اظهار

داشته در «تسهیل ارتباط» بین گردانندگان ایرانی پروژه و خواهان شرکت داشته، و اظهارات آقای موریس. تنها مدرک مقارن و ذریبط ولی در عین حال تردیدآمیز تسلیمی خواهان، یک دست نقشه^۶ کشتارگاه با تاریخ ۱۹۷۶ است که ظاهراً توسط سایروس تهیه و در هر برگ آن نوشته شده که برای شرکت گوشت قرمز تهیه شده است.

۸ - دیوان داوری خاطر نشان می سازد که دیوان از خوانندگان تقاضا کرد نسخ اساسنامه شرکت گوشت قرمز و یا دیگر اسناد سازمانی آن را تسلیم نمایند، لکن خوانندگان چنین مدارکی را ارائه نکردند. در جلسه استماع، وکیل ایران اظهار داشت که هیچگونه سابقه‌ای از چنین شرکتی به دست نیامده و نیز اینکه در زمان به وجود آمدن ادعای بانک توسعه کشاورزی متعلق به دولت نبوده است. نظر خواهان اینست که از قصور ایران در تهیه مدارک مورد تقاضا، که انحصاراً در اختیار ایران است، باید به زیان وی استنباط شود، ولی عدم ارائه مدارکی مستند، قابل توجه و مربوط به همان زمان توسط خواهان، نظر وی را تضعیف می کند و بهر تقدیر دیوان نتیجه می گیرد که با هرگونه استنباط مخالفی هم که راجع به مالکیت شرکت گوشت قرمز به عمل آید، باز خواهان راه زیادی دارد تا ثابت کند که سایروس به عنوان عامل و نماینده ایران عمل می کرده و می توانسته است در نتیجه عقد هرگونه قراردادی با خواهان، ایران را متعهد سازد. در پرونده‌ای نظیر پرونده حاضر که خواهان هیچگونه مدرکی از زمان وقوع رویدادها غیر از نقشه‌های سال ۱۹۷۶ و پیشنهاد اصلاحی مورخ ۱۹۷۷ خود به سایروس ارائه ننموده، هرگونه استنباط مخالف در مورد مالکیت شرکت گوشت قرمز، ارزش و اعتبار محدودی دارد. حتی اگر دیوان این فرض را قبول می کرد که ایران، برطبق ادعای خواهان، مالک ۴۰ درصد شرکت گوشت قرمز، یا حتی صددرصد آن است، این امر به خودی خود رابطه کارگزاری بین سایروس و ایران را ثابت نمی‌کرد.

۹ - دیوان به این نتیجه می‌رسد که ادله و مدارک ارائه شده برای اثبات اینکه سایروس در

مراودات خویش با خواهان، به عنوان نماینده ایران عمل می کرد، کفایت نمی کند. لذا توجه ادعای نقض قرارداد به تنها خواننده‌ای که دیوان نسبت به وی صلاحیت دارد، یعنی ایران، ثابت نشده و بنابراین، ادعا باید رد شود.

۱۰ - در رابطه با ادعای تخییری مبتنی بر اجرت المثل نیز خواهان هیچ دلیل و مدرکی ارائه نکرده که تسلیم پیشنهاد اصلاحی وی به ساپروس و یا کاری که وی بعد از جلسه ۱۵ مهر ماه ۱۳۵۶ [هفتم اکتبر ۱۹۷۷] انجام داده منجر به انتفاع ایران شده باشد. بعلاوه، خواهان ادعا کرده است که شرکت گوشت قرمز ۳ میلیون تومان (به گفته وی، معادل ۴۶۶،۶۶۶ دلار آمریکا) بابت طراحی پروژه به ساپروس پرداخته است. بنابراین، ادعای حاضر نیز به علت فقد دلیل رد می شود.

پنجم - هزینه ها

۱۱ - هر طرف هزینه‌های داوری خویش را برعهده خواهد داشت.

ششم - حکم

۱۲ - به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می کند:

(الف) تمام ادعاهای امریکن فارم پرادکتس اینترنشنال اینک مطروح در این پرونده رد می شود.

(ب) هزینه‌های داوری هر طرف به عهده خویش خواهد بود.

لاهه، به تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۶۷ برابر با ۵ آوریل ۱۹۸۸

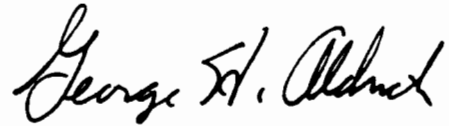


روبرت برینر
رئیس شعبه دو

به نام خدا



سیدخلیل خلیلیان
موافق



جورج اچ. آلدریچ